

حسینعلی قضائی پهلوان میدان مرثیه‌سرایی

سهراب سعیدی^۱

دکتر عبدالله دن^۲

چکیده:

آنان که با آثار اقوام و ملل مختلف کم و بیش انسی دارند نیک می‌دانند که ادبیات کمتر ملتی را می‌توان سراغ گرفت که به اندازه‌ی ادبیات فارسی با دین و آموزه‌های دینی پیوند خورده باشد. چنانکه به جرأت می‌توان ادعا نمود که در طول تاریخ ادبیات دوره‌ی اسلامی ایران هیچ مسلمانی را نمی‌توان یافت که در دیوان اشعار، و سایر آثار منظومش تأثیری از کلام وحی نباشد. یکی از این شاعران مسلمان و البته دیر آشنا حسینعلی بن عبدالله باقر قضائی علیایی مینابی است که در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ در میناب می‌زیسته است. وی شاعر ویژه‌ی عاشورا است؛ ارادت ایشان و خاندان اندیشمند و متعهدش به امام حسین (ع) و یاران آن حضرت، آنان را بر آن داشته که به شرح و بسط واقعه‌ی عاشورا و بازتاب آن در شعر همت گمارد. در این مجال به معرفی این شاعر و پرداختن به خصیصه‌های شعری اش می‌پردازیم، هر چند پرداختن تخصصی به هر یک از ویژگی‌های شعری وی به جا و فرصت دیگر نیاز است و هر کدام مقاله‌ی جداگانه‌ای را می‌طلبد و در این مختصر نمی‌گنجد.

واژگان کلیدی: حسینعلی قضائی، نوحه، تعزیه، مرثیه، صور خیال

مقدمه:

محبوبیت، شهرت و مقبولیت حسینعلی قضائی در میناب و استان هرمزگان از دیر باز زبانزد خاص و عام بوده است و همین امر سبب شده تا اندیشمندانی در کارهای تحقیقاتی خود به وی توجه ویژه داشته باشند، دو پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه دولتی زاهدان و دانشگاه آزاد جیرفت به این شاعر اختصاص دارد؛ همینطور کتاب‌های مستقلی چون نابغی‌هرمزگان و زندگی و شعر حسینعلی قضائی راجع به این شاعر تدوین شده است و افزون بر این در کتاب دریادمانده‌ها - اثر خانم سایبانی - نیز صفحاتی به معرفی این شاعر اختصاص داده، نگارنده نیز در کتاب تاریخ ادبیات میناب که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رساندم وی را معرفی کردم و هم اینکه در کتاب سوگواره‌ها و کتاب رخس بی‌سوار، اشعار نوحه‌ی وی را تصحیح، بازبینی و جمع‌آوری نمودم و همین‌طور تصویر سه نسخه خطی از اشعار تعزیه ایشان در دست مطالعه و بررسی دارم. و دیگر اینکه آقای میر شکاری در کتاب نسخه و نسخه نویسی تعزیه در میناب نیز نکاتی را پیرامون معرفی شعر حسینعلی قضائی اختصاص داده، و شورای اسلامی شهر میناب نیز همایشی را در جهت معرفی این شاعر برگزار نموده و تندیسی از وی را نیز در یکی از خیابان‌های میناب بر پا داشته اند. با این وجود قهرمان و پدر مرثیه‌سرایی هرمزگان، همچنان آنطور که در خور و شایسته‌ی اوست معرفی نشده و هنوز ناشناخته مانده است. این مقاله می‌کوشد تا وی را معرفی نماید.

حسینعلی قضائی

حسینعلی بن عبدالله بن حسین باقر قضائی علیایی در حدود ۱۷۰ سال پیش در خانواده‌ای مذهبی و اهل شعر و ادب در میناب پا به عرصه‌ی وجود نهاد. وی در آغوش پدری شاعر - منصف علیایی - که استاد مکتب خانه اش هم بود پرورش می‌یابد و در سنین کم علوم دینی رایج در آن زمان را فرا می‌گیرد. و پس از آن برای تحصیل و تکمیل دانش خود در علوم دینی، و فراگیری زبان عربی راهی نجف می‌شود. هرچند از سال‌های زندگی و سکونتش در نجف هیچ اطلاعی در دست نیست.

حسینعلی شاعر ویژه عاشورا است، ارادت ایشان و خاندان اندیشمند و متعهدش به امام حسین و یارانشان، آنان

sohrab_minab@yahoo.com

^۱ - کارشناس ارشد ادبیات فارسی، نویسنده، روزنامه نگار و مدرس دانشگاه

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بندر لنگه

را بر آن داشته که به شرح و بسط واقعه‌ی عاشورا و بازتاب آن در شعر همت گمارند. آن طور که راویان ذکر کرده‌اند حسینعلی اولین شعرش را به صورت مشترک با پدرش سروده است که مطلع آن چنین است: «در زمین عزاست یاران در فلک عزاست / لا اله الا الله این چه ماجراست» که به ظاهر یک مصراع را منصف و مصراع دیگر را پسرش - حسینعلی قضائی - تا پایان سروده است.

از قضائی علاوه بر نوحه‌ها، مسوده‌هایی نیز بر جای مانده است که همگی آن‌ها از استادی وی در سرایش اشعار نوحه و تعزیه حاکی است. وی توانایی آن را داشته که حوادث هر جلسه‌ی تعزیه را به سه شکل مختلف بسراید.

سبک شعری قضائی

سبک شعری قضائی به روش شاعران سبک خراسانی شبیه است؛ او گاهی در اشعار خود از حرف اضافه‌ی «مر» استفاده می‌کند و گاهی «می» بر سر فعل می‌آورد. و همین طور از به کاربردن افعال دعایی مثل «نماناد» استعمال می‌کند. و هم اینکه از حروف اضافه‌ی «برای» و «به» به جای «را»ی مفعولی و... بهره می‌برد؛ در این ابیات به نمونه‌هایی از این قبیل کاربرد اشاراتی می‌شود.

تو خبر ده مر حسین تا وارهم از ملعنت
(حنابندان، کریان: ۲۶۶)

بر سر وی نیزه و زوبین به کف
(شهادت امام، کریان: ۱۲۵۳)

بیاتا از برایت سیر بی‌نم
(حنابندان، نصیرائی: ۲۲۸)

هر کسی نماناد این جاودانگی

تا بدانی خاطرت خواهم نباشم دشمنت

می‌بتازید ای سپاه از هر طرف

یک امشب خواهر محنت قرینم

در کهنه دیر دنیای فانی

اشعار قضائی

اشعار قضائی به چند دسته تقسیم می‌شود؛ قسمتی از اشعار قضائی نوحه‌ها می‌باشد که در مراسم‌های خاصی همچون مرگ و میر مردم و سالگرد وفات امامان و بزرگان دین خوانده می‌شود. دست دوم اشعاری است که در مراسم سینه زنی به دو صورت جواب خوانی و واحد خوانی به اجرا در می‌آید. دسته‌ی سوم نیز اشعاری است که در مراسم چاووش خوانی استفاده می‌شود. و نوع چهارم اشعاری که در مراسم تعزیه خوانی کاربرد دارد.

نحوه‌ی خواندن اشعار نوحه از این شاعر در سوگواری و سینه زنی حالت آهنگین به خود می‌گیرد، یعنی سینه زنی حالت و آهنگ خاص دارد. و سر ضرب است، از اینرو نوحه خوان و سینه زن باید ضرب را رعایت کند چرا که اگر ذاکری حالت ضرب را بشکند، وضعیت حلقه سینه زنان و ذاکر نوحه خوان، مختل می‌گردد. نوحه خوانی با یک نوحه کوتاه جواب دار آغاز و پس از تشکیل حلقه و آمادگی سینه زنان، نوحه واحد که نوحه حماسی است بدون جواب و با آهنگ و ضرب برای سینه زنی تداوم می‌یابد.

اما اشعار تعزیه قضائی از سه مسوده (نسخه خطی) که از او بجا مانده استخراج می‌شود که دخل و تصرف چندانی در آن صورت نگرفته است و دسته‌ی دوم نوحه‌هایی است که در حسینیه‌ها بر زبان ذاکران جاری می‌شود. از این نوع اشعار دفتر بیاض و یا مسوده و دست نوشته‌هایی از خود شاعر نمانده است. و اشعارش به صورت پراکنده و در قالب و بحرهای متفاوت در دفترهای ذاکران و یا حافظه‌ی بعضی از فرهنگ دوستان به جا مانده است. که البته خوشبختانه در کتاب رخس بی سوار و نابغه‌ی هرمزگان، این دست از اشعار جمع‌آوری و تصحیح شده است.

ویژگی شعری قضائی

از ویژگی‌های سروده‌های قضائی می‌توان به خوش آهنگی و استحکام ابیات اشاره نمود؛ قضائی در سرودن بحر طویل استاد بوده و همچنین به زبان عربی نیز آشنایی داشته و ملمعاتی نیز دارد که بسیار زیباست.

از ویژگی‌های شعری و ادبی قضائی به این موارد می‌توان اشاره نمود:

اقتباس و گزینش آگاهانه‌ی اشعار، واژه‌های تکراری و مفاهیم قالبی، تکرار حرف ندا و همواری و یکدست بودن اشعار، آرایه‌ی ادبی سؤال و جواب در اشعار قضائی یکی از ویژگی‌های شعری اوست که این آرایه هم در اشعار نوحه و هم در اشعار تعزیه جلوه گر است. در اشعار نوحه هدف از طرح سؤال و جواب تجاهل عارف است. ولی در اشعار تعزیه برای گفت و گوی رو در روی اشخاص استفاده می‌کند؛ البته شاعر در استخدام کلمات نهایت دقت را داشته مثلاً هنگامی که دو نیروی خیر طرف‌های صحبت هستند واژه‌ها بیانگر ادب است ولی هنگامی که نیروهای اهیمنی در حال گفت و گوی‌اند از زبانی رکیک نیز بهره می‌برد.

حسینعلی قضائی در پایان همه‌ی قالب‌های شعری - مثنوی، قصیده، ترجیع بند، بحر طویل، مستزاد، ترکیب بند، نیمایی، قطعه - تخلص و نام شعری و هنری خود را ذکر می‌نماید ولی در شعر فارسی ایران، این امر فقط در قالب غزل نماینگر می‌شود و به نظر می‌رسد وی از این کار چند هدف داشته است. اول اینکه: در اشعار نوحه معمولاً شاعران در پایان شعر از پیامبر و خاندان پاکش درخواست دارند تا واسطه شوند و خداوند از گناه آن‌ها در گذرند تا در روز قیامت و جهان دیگر در بهشت با امامان محشور شوند از اینرو نام خود را در پایان شعرها (نوحه) آورده است. تا به هنگام خواندن نوحه‌ها، ذاکران شاعر آن سروده‌ها را نیز از دعای خیر خود فراموش ننمایند. دوم اینکه: با نوشتن تخلص خود در پایان تمام شعرها جدای از جلوگیری از سرقت ادبی نام خود را در یادها محفوظ بدارد و همین طور چون هیچ کدام از شاعران دیوان مستقلی نداشته‌اند و اشعار آن‌ها سینه به سینه و دست به دست می‌شده با نوشتن نام خود در پایان شعرها، اشعار خود را از دیگران جدا و متمایز می‌کردند و این خصیصه در تمام نوحه‌های قضائی در هر قالبی که باشد رعایت شده است.

قالب‌های شعری

«تنوع قالب‌های شعری نیز در دیوان قضائی حائز اهمیت است. در این راستا پرداختن به قالب‌هایی همچون بحر طویل یا انواع خاصی از مستزادها برای سرودن نوحه‌ها یا اشعار مناسب تعزیه خوانی را می‌توان اشاره نمود. افزون بر این بحرهایی که حسینعلی به خدمت گرفته نیز بسیار متنوع است وی در واقع از مثنی‌های طولانی مستفعلاتن گرفته تا مربع‌های کوتاه فاعلن فع لن در دیوان وی مشاهده می‌شود و تقریباً در همه موارد با آهنگ خاص نوحه و تعزیه هماهنگ و همسو است.»

اشعار قضائی معمولاً در قالب مثنوی، مستزاد، ترکیب بند، ترجیع بند، نیمایی، بحر طویل و... سروده شده‌اند؛ و اوان عروضی آن‌ها عمدتاً (فاعلاتن، مفاعیلن، فاعلاتن، فعلاتن، مستفعلن) است. قضائی علاوه بر به کارگیری قالب‌های متعارف و شناخته شده در ادب فارسی، با دخل و تصرف و در هم آمیختگی آن‌ها، قالب‌های بدیع و تازه به وجود آورده که ما آن را قالب‌های ترکیبی نام نهادیم.

قالب عمده‌ی اشعار قضائی در شعر تعزیه مثنوی، رباعی، قطعه، دوبیتی، غزل و در پاره‌ای موارد مستزاد و نیمایی است. شاعر در اکثر مناجات‌هایی که در آغاز تعزیه می‌آید، در قالب غزل بیان می‌کند؛ اما نوحه‌هایی را که در پایان مجالس تعزیه می‌گوید در قالب رباعی است.

از آنجا که تنوع قالب‌های شعری در دیوان قضائی زیاد است در اینجا به آوردن مطلع‌هایی از هر قالب شعری همت می‌گماریم.

قطعه:

خیمه گهت آنکه ز بیداد سوخت
بر جگر عالمی اخگر زده
(رخش بی سوار)

غزل:

راکب دوش مصطفی تا ز فراز زین فتاد
عرش و تپید زین الم زلزله در زمین فتاد
(رخش بی سوار)

مثنوی:

راحت جان نور بصر می‌رسد
یا علی اکبر زسفر می‌رسد
(رخش بی سوار)

ترکیب بند:

الا که مژده می‌دهد زیاب باوفای من
که فکر چاره‌ای کند به درد بی دوی من
(رخش بی سوار)

چهارپاره:

تا کی ای چرخ ستمگر نستانی دادم
سعی کشتن نکنم گر نکنی امدادم
(رخش بی سوار)

مستزاد:

یوسفی گم شود این ماه ز کنعان وجود
بایدت ناله نم شود
(رخش بی سوار)

قصیده:

قاصد کوی عراقم غمگسارم ای عرب
هدهد شهر صبا شو زین دیارم ای عرب
(رخش بی سوار)

بحر طویل:

چه روی داده کز شفق همی جهد شراره‌ها
چه شد که بارد از فلک شهاب‌ها ستاره‌ها
(رخش بی سوار)

ملمع:

به سر سنان سراقدهس تو نمایند ای شه کربلا
لمعات وجهک اشرف و شعاع وطلعتک طلا
(رخش بی سوار)

بلوچی:

وشته بر حسین نور چمانا
رحمانی بزی بره په میدانا
(نابغه هرمزگان، ۱۲۰)

که این شعر قافیه پردازی این نوحه، شعر موش و گربه‌ی عبید زاکانی را فرا یاد می‌آورد.
حروف الفبا: قضائی شعری دارد که ابتدای ابیات و مصراع‌های آن با یکی از حروف الفبا آغاز می‌شود.
بدین گونه که ابتدای هر مصراع به ترتیب یکی از حروف الفبای زبان فارسی آمده است مطلع آن شعر چنین است :

ای الف ای رونق هفت آسمان
این زیبخت گشته اندر خون طپان
(رخش بی سوار)

صور خیال در اشعار قضائی

دایره‌ی شعر مذهبی، حضور برخی ترکیبات و آرایه‌ها ادبی را بر نمی‌تابد؛ اما قضائی استادانه توانسته است خشکی و سردی حاکم بر شعر مذهبی را تا حدی از چهره دیوانش بزدايد. قضائی هم در اشعار نوحه و هم در اشعار تعزیه از استخدام آرایه‌های ادبی بهره مند بوده است که بررسی آن خود می‌تواند موضوع یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد در این زمینه باشد. به هر حال از هر دست در این مقال و مجال چند نمونه شاهد آورده می‌شود.

کاربرد صور خیال در اشعار تعزیه :

- ترکیبات و اصطلاحات بدیع :

خویشتن دادی به کشتن از لجوج
(شهادت مسلم، کریان: ۴۱۲)

عاق این دولت کردی خروج

۱-۲- مراعات نظیر:

به تیر و نیزه و خنجر شوند دست و بغل
(شهادت وهب، نصیرائی: ۶۷)

کجا عروسی در این جا ز ظلم چرخ دغل

۱-۳- تلمیح:

نهال باغ شه لا فتی سلام علیک
(شهادت وهب، نصیرائی: ۱۵۳)

برادر حسن مجتبی سلام علیک

۱-۴- تضمین :

خبر لا اله الا الله
(شهادت حر، نسخه نصیرائی: ۳۹۸)

سوختم سوختم ز شعله‌ی آه

۱-۵- متناقض نما :

ورنه شاه بی زر و نعمت کی آید به جنگ
(شهادت امام، نسخه کریان، ۹۸)

روز عزت روز نعمت کار ناید از درنگ

۱-۶- حس آمیزی :

مکن ز خواب تو بیدار اکبرم بگذار
(شهادت امام، نسخه کریان: ۱۰۰)

ز خواب اکبر شیرین زبان کنم بیدار

۱-۷- ایهام تناسب :

ز بعد مرگ جوانان دگر نیازم
(شهادت امام، نسخه کریان ۹۳)

چرا به ضرب زبان تو می‌کنی آزادم

۱-۸- لف و نثر :

تن گردان پیل افکن که دعوا با من است
(هجوم، نصیرائی: ۱۷۴)

زمن غرش ز تو برش ز من رزم و ز تو پیکر

صور خیال در اشعار نوحه

تشبیه:

همچون مژه چشم غزالان زده صف
(رخش بی‌سوار)

غلمان قدح شراب کوثر در دست

اضافه تشبیهی:

از می‌غفلت رفت و ساغر شد
(رخش بی‌سوار)
از دم اره بیداد و جفا واویلا
(رخش بی‌سوار)

وحشی دولت تا که رامش شد
نخل اکبر که بیفکنده ز پا واویلا

اغراق:

ز داغ تو باغ جنت آتشکده است (رخش بی‌سوار)

تلمیح:

کف آبی ز بعد ساقی کوثر نمی‌ارزد
من که دامگه ملک بلا افتادم
(رخش بی‌سوار)

اگر چون خضر مانی سال‌ها در عالم فانی
چون اسیران چه سپاری به کف جلادم

آرایه تشخیص:

زد شیخون اجل در سپهش واویلا
(رخش بی‌سوار)

رفته بر باد بلا بارگهش واویلا

تجرید:

سوی ما آید ندادها را صدا
۲۱۵/۱

این جهان کوهست و فعل ما ندا

ای قضائی ورق نوحه بیچان یک دم شو تو در ناله و غم

سخت آتش سوزنده به هر خشک و تری آه و صد واویلا
(رخش بی‌سوار)

همچو گل چاک نما جامه به تن
(رخش بی‌سوار)

ای قضائی به عزاداری من

مناظره:

تشنه جگر قطع سرم می‌کنی
(رخش بی‌سوار)

از چه ندانی چه کسم ای دنی

استعاره:

پرورش یافته بر دوش نبی
(رخش بی‌سوار)

سرو خوش قد و ریاض چمنی

ملمع:

حضرت خیر النساء یا ولدی
(رخش بی‌سوار)

قال لهذا فی العزای تهتدی

برخی از اصطلاحات و ترکیبات که در اشعار نوحه و تعزیه قضائی کاربرد فراوان دارد:

قدح شراب کوثر، مژه چشم غزالان، مشعل آه سحری، عقیق جگر، سروش مهیمنی، قلعه‌ی طور دل، خروش نهکتلا، نخل اکبر، روی بیداد، قائمه‌ی عرش برین، بالش غفلت، آیه‌ی مرگ، یوسف مصررسالت، شال عزا، اختر برج

شرافت، خرگه چرخ، دو قرص کمر، سیلاب اشک، یم دیده، زورق دین، کنعان وجود، خورشید لقا، صدف جان، سپه بلا، بیاض غم، صدف نیل، صفحه‌ی غم، گلشن دین، شیر خدا، موسی عمران، ناوک آه، شتر غم، شرر فریاد، جور فلک، دامگه ملک، مرغ چمن، جام بلا، قد شمشاد، می غفلت، جوش دل، نصف النهار عمر، سپهر شرف، قفس جسم، مرغ نفس، لنگر ارض و سماء، ماتم نیلگون قبا، ماه منیر، لیل عاشورا، چرخ ستمگر، ماه نوم، نار ولا عار. اصطلاحاتی که برای امام حسین (ع) استخدام کرده: سلطان شهید، شاه بی لشکر، شاهنشاه دین، سلطان دشت کربلا، خسرو کون و مکان، قبله‌ی عالمیان.

اصطلاحاتی که برای نامگذاری اسب‌ها به کار برده: توسن، مرکب، کمیت، فرس.

بدیهه‌گویی: آوازه‌ای شاعری قضائی در قرن ۱۳ به شهرهایی دیگری هم رسیده بود و از اینرو شاعرانی برای سنجدین قضائی رنج سفر را تحمل نموده و به میناب می‌آمدند تا قضائی را در ترازوی محک و سنجش و نقد خود قرار دهند؛ خوشبختانه قضائی از تمام آزمون‌ها سر بلند بیرون آمده که هر چند وی از این دست شعرهای زیاد دارد، برای اختصار در اینجا به ذکر دو نمونه از مشاعره‌های فی البداهه او اشاراتی می‌شود:

شاعر شیراز: آب رکن آباد ما از سنگ می‌آید برون

شاعر اصفهان: از سپاهان میوه‌ی هفت رنگ می‌آید برون

قضائی: خرما می‌شیرین ما از پنگ می‌آید برون

و یا در جایی دیگر:

شاعر یزد خطاب به قضائی: چشم باز کن بین که من دریاستم

قضائی در جواب: من عصای حضرت موساستم

نتیجه‌گیری:

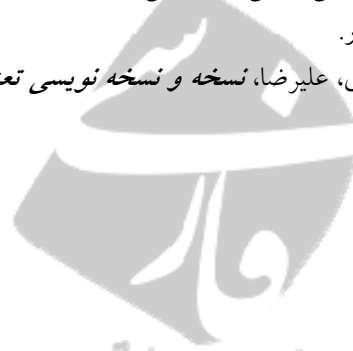
حماسه‌ی جانگداز شهادت امام حسین (ع) و یاران با وفایش در عاشورای ۶۱ پس از هجرت، بسیاری از نویسندگان و شاعران را بر آن داشته که به اندازه‌ی توان خویش در انتقال این حماسه به نسل‌های پس از خود بکوشند. شاعران هرمزگان - میناب - که در یکی دو قرن پیش می‌زیسته‌اند، با وجود توانایی بسیار، به سبب محرومیت در تاریخ ادبیات ایران غریب و نا آشنا مانده‌اند؛ این شاعران مینابی که بعضی از آنها عبارتند از: قنبر، مسیحا، معروف، قضائی، منصف، جاریه و... با سرودن دلنامه‌های خود در بحر و قالب‌های متفاوت، همچون پروانگانی عاشق، بر گرد وجود اهل بیت (ع) حلقه زده‌اند و در شعاع وجود آنان به کمالات والایی دست یافته‌اند. این شاعران با جامعه‌ی عمل‌پوشانیدن به رسالت انسانی خویش زبان به مدح و منقبت و ستایش شایستگان ستایش گشوده‌اند و خود را در زمره‌ی «الا الذین امنوا...» قرار داده و با سرودن سوگنامه‌هایی پیرامون شهادت مظلومانه امام حسین (ع) و یاران با وفای آن حضرت، سنت نوحه‌گری بر سرور و سالار شهیدان و ادبیات عاشورایی را تا به امروز تداوم بخشیده‌اند.

فهرست و منابع:

- ۱- حامدی راد، محمد، *زندگی و شعر حسینعلی قضائی*، (۱۳۸۹)، قم، دارالتفسیر.
- ۲- رئوفی، علی و عباسی دمشهری، *رستم: نوحه و عزاداری در خلیج فارس (۱۳۸۹)*، بی جا، خرد آذین
- ۳- سعیدی، سهراب، *تاریخ ادبیات میناب (۱۳۸۶)*، قم، سلسال.
- ۴- -----، *رخش بی سوار*، (۱۳۸۷)، قم، دارالتفسیر.
- ۵- -----، *سوگواره‌ها (۱۳۸۸)*، قم، دارالتفسیر.
- ۶- شیخ آبادی علی، *تصحیح عمده المجالس قضائی*، (۱۳۸۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دولتی زاهدان.
- ۷- قضائی، غلامحسین، *نابغه‌ی هرمزگان (۱۳۸۷)*، قم، موعود اسلام.
- ۸- قضائی علیایی مینابی، حسینعلی، *عمده المجالس*، نسخه خطی اشعار تعزیه، نگهداری توسط محمد آبانگاه.
- ۹- قضائی علیایی مینابی، حسینعلی، *عمده المجالس*، نسخه خطی اشعار تعزیه، حسینیه کریان، نگهداری توسط مسعود رنجبر
- ۱۰- قضائی علیایی مینابی، حسینعلی، *عمده المجالس*، نسخه خطی اشعار تعزیه، حسینیه نصیرائی، نگهداری توسط غلام سلمانی پور.
- ۱۱- میرشکاری، علیرضا، *نسخه و نسخه نویسی تعزیه در میناب*، (۱۳۸۲)، بوشهر، شروع.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir